

ادامه از صفحه اول

تقدیرگرایی در شاهنامه

... که خشم آن زن نه تنها فروتنشسته که شد نیز گرفته است.پس تصمیم می‌گیرد هرچه دورتر و هرچه دیرتر از سدوابه فاصله بگیرد و به همین روی با عزمی جزم نزد پدرش، کاووس رفته و اجازه می‌خواهد خود به جنگ تورانیان برود؛ گویا اراده جهان‌آفرین چنین تعلق گرفته بود که او در توران جان بسپارد.

بشد با کمر پیش کاووس شاه/ بدو گفت من دارم این پایگاه/ که با شاه توران بجویم نبرد /سر سروران اندر آرم به‌گرد/ چنین بود رای جهان‌آفرین / که او جان سپارد به توران‌زمین / به رای و به اندیشه نایکار/ کجا بازگردد بد روزگار

و فردوسی بر این باور است که با تدبیر و خرد ناتمام و ناقص انسانی، چگونه ممکن است بتوان مسیر حوادث به‌ویژه حوادث تلخ را دگرگون کرد.

آن‌گاه که افراسیاب در پی خوایی هولناک، آینده خویش را تیره‌وتار می‌بیند، به امید دگرگون‌کردن این آینده، از در آشتی با سیاوش برمی‌آید و تمام شرایط او برای صلح را می‌پذیرد؛ ولی وقتی رستم شرایط صلح سیاوش را به شاه اعلام می‌کند، کاووس به خشم آمده و از فرزندش به سرزنش می‌خواهد به توران حمله برد و سیاوش فرمان بدر و پند دو دوست خویش، زنگه شاوران و بهرام را نمی‌پذیرد و تصمیم می‌گیرد به افراسیاب پناه ببرد و در اینجاست که فردوسی به‌روشنی می‌گوید که سیاوش از آن روی پند یاران خود را در امتناع از پیوستن به افراسیاب نپذیرفت که قلم چرخ بلند به‌گونه‌ای دیگر رقم می‌زد.

نپذرفت زان دو خردمند، پند/ دگرگونه بد راز چرخ بلند/ همی دید چشم بد روزگار/ که اندر نهان چیست با شهریار

و سیاوش چون چاره‌ای جز پیوستن به افراسیاب نمی‌یابد، آینده خویش را در گرو گردش سپهر گردون می‌بیند و می‌گوید:

ندانم کزین کار بر من سپهر / چه دارد به راز اندر از کین و مهر

هنگامی که پیران ویسه به سیاوش پیشنهاد می‌کند برای تقرب به افراسیاب و تقویت مناسبات آینده ایران و توران، با فرنگیس، دختر افراسیاب ازدواج کند، با این امید که فرزندی به دنیا آید و دو کشور را به یکدیگر پیوند زند، می‌گوید:

سیاوش به پیران نگه کرد و گفت / که فرمان بزدان نشاید نهفت / اگر آسمانی چنین است رای / مرا با سپهر روان نیست پای

و آن‌گاه که پیران، سیاوش را به جهت دوری از وطن اندوهگین می‌بیند، می‌گوید:

بدو گفت پیران که با روزگار / نسازد خردیافته، کارزار / نیایی گذر تو ز گردان‌سپهر / کز اویست آرام و برخاز / مهر

و چون پیران موضوع خواستگاری سیاوش از فرنگیس را مطرح می‌کند، افراسیاب در خود فرومی‌رود و می‌گوید از روش‌اندیشان شنیده است از دو قوم ایرانی و تورانی، شهریاری پدیدی آید که جهان را تصرف کند و بخت و تخت ما را در هم بیچد.

چنین گفت با من یکی هوشمند / که رایش خرد بود و دانش بلند / که ای دایه بچه شیر نر / چه رنجی که جان هم نیایی به بر / و دیگر که از پیش کندآوران/ ز کار ستاره‌شمر بخردان / کزین دو نژاد

یکی شهریار /بیباید بگیرد جهان در کنار هوشمند و وقتی افراسیابی می‌شنوند از سیاوش خواست جایی را در نظر بگیرد و برای خود شهری بناکنند، سیاوش از ستاره‌شمران می‌پرسد آیا گنگ‌دژ برای او فرخنده خواهد بود و آنان یک‌صدا می‌گویند: «این شهر برای تو فرجامی تلخ خواهد آورد».

از اخترشناسان بپرسید شاه /که من ساختم ایدر یکی جایگاه / او فر و بخت بسامان بود / و یا دل ز کرده پشیمان بود / بگفتند یک‌سر به شاه گزین / که بس نیست فرخنده بنیاد این

و وقتی سیاوش از بخت واژگونه خود نزد پیران ویسه شکوه می‌کند، پیران به او می‌گوید: «تو چه می‌دانی که این فلک گردون چه رازی در دل دارد».

و آن پس به او گفت با او به مهر / که از جنبش راز گردان‌سپهر / چه دانی و این رازها کی گشاد / همانا از ایرات آمد به یاد

و گرسوز، برادر افراسیاب که بر سیاوش رشک می‌ورزد و سرانجام او را به مهلکه می‌افکند، به سیاوش می‌گوید: «مهری سپهر گردان چهره دژم می‌کشد، مردم خردمند و دانا قادر به مقابله با آن نیستند و تدبیر هیچ سودی ندارد و نمی‌تواند سر از چنبره سپهر فسون‌کار بیرون کند».

بدو گفت گرسوز بدگمان / تو او را بدان‌سان که دیدی، مدان / و دیگر به جایی که گردان سپهر / شود دهن و چین اندر آرد به چهر / خردمند دانا نداند فسون / که از چنین او سر آرد برون

شگفتا که پیش‌آگهی از آنچه روی می‌دهد، بی‌ثمر است و وقتی واقعه‌ای قرار است رخ دهد، گویی حجابی در برابر نگاه قربانی افکنده می‌شود و فرد بر اثر نسیان و فراموشی به‌سوی قربانگاه می‌رود. تقریباً در سراسر شاهنامه هم در فرمان تقدیر فایق بر هر اراده‌ای است و اینکه باورمندان با تقدیر سخن به حق می‌گویند یا به باطل، این قلم را نه گرایشی است و نه کراهتی اما باورمندان به تقدیر وقتی پیش‌گویی به‌گونه‌ای دیگر واقع می‌شود، حجت می‌آورند و می‌گویند مقدر بود که آن تقدیر دگرگونه شود و بدین‌گونه روی دهد.

ادامه از صفحه اول

هرچند راهبردهای کوتاه‌مدت حجاریان نیز چندان بکر و عجیب نیستند و او در بخش اخیر یادداشت خود از بدیهیاتی سخن می‌گوید که در میان احزاب اصلاح‌طلب اراده‌ای جدی بر اجرایش نیست.

همچنین حجاریان در بخش دیگری از یادداشت خود یک نکته عجیب را اظهار کرده است. او درباره چگونگی حفظ آرامش توسط اصلاح‌طلبان نوشته است: «به لحاظ منطقی و باتوجه به پیشینه تاریخی، چنانچه اصلاح‌طلبان و معترضان به وضع معیشت یک‌صدا شوند، نخستین گزینه برخورد قهری، اصلاح‌طلبان خواهند بود، نه توده مردم حاضر در خیابان. از این‌رو اصلاح‌طلبان ضمن تمرکز بر عدالت به معنی‌الاعم، به تعبیری باید سر‌خود را پایین نگه دارند تا از این توفان به سلامت گذر کنند».

این سخن قدری رنگ‌وبوی کاسب‌کاری سیاسی دارد. در حقیقت حجاریان می‌گوید که اگر مردم به وضع موجود معترض شدند، اصلاح‌طلبان باید اعتراض‌های ایشان را نادیده بگیرند تا مبداا گزندگی به آنها برسد. حجاریان باور دارد که اصلاحات یک جنبش فراگیر اجتماعی است؛ چنین تفکری با سخن سیاسی اخیر در تضاد قرار دارد. متضافا آنکه مخالفان دیدگاه حجاریان همواره تأکید می‌کنند که ضرورت دارد در عرصه قدرت باقی بمانیم و این در حالی است که گویا حجاریان با چنین تفکری مخالف است. حال چگونه ممکن است که چنین فردی برای بقای سیاسی اصلاحات به صراحت اعلام کند که باید سر خود را پایین نگه داشت تا از این بحران به سلامت گذشت؟ حتی اگر برای بقای سیاسی اصلاحات چنین کاری نیز لازم باشد، تئوریزه‌کردن آن قدری خطرناک به‌نظر می‌رسد.

ادامه از صفحه اول

اصلاح‌طلبان فضایی را در کشور به وجود بیاورند که فضای ناامنی و عدم اعتماد سیاسی از جانب مردم و حکومت شکل نگیرد؛ یعنی مردم به اصلاح‌طلبان، اصولگرایان و مجموعه حکومت بدبین نباشند و حکومت هم فضایی را برای کسانی که منتقد هستند فراهم کند تا شرایط بدبینی و سوءنظن نسبت به یکدیگر در کمترین حالت ممکن باشد. در شرایط بحرانی هر‌قدر که بتوانیم سوءنظن‌ها و بدبینی‌ها را کاهش بدهیم و همه خود را برای حل مشکلات کشور یک‌دل نشان بدهیم، به نفع مردم و کشور خواهد بود. در چنین شرایطی انتخابات هم می‌تواند به انتخاب‌های بهتر بینجامد. واقعیت این است که در شرایط بدبینی و سوءنظن نیروهای کارآمد نمی‌توانند وارد عرصه انتخابات شوند. وقتی چنین فضایی حاکم باشد، نیروهایی که می‌توانند راه‌حل‌های عملی مناسب‌تری برای کشور داشته باشند، کمتر فرصت پیدا می‌کنند وارد صحنه شوند. اتفاقا در این فضای حاکم بدبینی، کسانی که معمولاً خود را با شرایط تطبیق می‌دهند و به رنگ روز سیاست درمی‌آیند، با انواع و اقسام کارهایی که می‌کنند چه با حرف‌زدن و چه با عکس‌العمل‌هایی که در شرایط مختلف نشان می‌دهند، مثلاً یک روز یک جور وارد مجلس می‌شوند و روز دیگر نوع دیگری در مجلس حرف می‌زنند و وارد عرصه می‌شوند. این‌س وضعیت کمک نمی‌کند که در انتخابات بتوانیم نیروهای کارآمد و به‌دردبخوری را وارد مجلس یا جاهای دیگر کنیم که برای کشور راه‌حل داشته باشند. اصلاح‌طلبان اگر بخواهند واقعا دلسوزانه و در راستای کارآمد و به‌دردبخوری را کنند، باید شرایطی را به وجود بیاورند که فضای بدبینی و سوءظن به حداقل برسد.

باید همه جناح‌ها و نیروهای حاکمیت با دلسوزی با مسائل برخورد کنند تا فضا آماده شود که نیروهای کارآمد و نه نیروهایی‌که هر روز به رنگ روز درمی‌آیند، بتوانند در کشور انتخاب شوند و کاری انجام دهند.

ما متأسفانه دیده‌ایم، برخی‌ها موقع انتخابات یا موقعی که بحث صلاحیت‌ها مطرح می‌شود، یک جور حرف می‌زنند، موقع رای‌گرفتن از مردم هم یک‌جور دیگر حرف می‌زنند و موقعی که دوباره فاصل انتخابات فرامی‌رسد، طور دیگری حرف می‌زنند. خوب معلوم است که نمی‌توان روی کارآمدی این افراد برای رفع مشکلات کشور حساب کرد.

کا می‌فرماید **اصلاح‌طلبان در یک فضای دلسوزانه وارد عمل شوند. این فضای دلسوزانه چطور باید ایجاد شود؟آیا باید از سوی حاکمیت ایجاد شود یا خود اصلاح‌طلبان در مواقع و عملکرد خود تغییری به وجود بیاورند؟**

این یک مسیر دوطرفه است. رفتار اصلاح‌طلبان باید طوری باشد که دلسوزی و صمیمیت آنها نسبت به مسائل کشور و غیرسیاسی عمل‌کردن آنها مشهود باشد. الان شما بین مردم هم که باشید و آنهایی که ممکن است رایی به اصلاح‌طلبان داده باشند، برداشت آنها این نیست که اصلاح‌طلبان فقط به خدمت یا حل مشکلات سیاسی فکر می‌کنند، مردم فکر می‌کنند که اینها هم دنبال قدرت یا پیداکردن جایی در حاکمیت هستند. اصلاح‌طلبان باید رفتارشان به‌گونه‌ای باشد که هم حاکمیت و هم مردم و نیز برون‌داد این جریان

سیاست

بقای اصلاح‌طلبی با مردم یا بدون مردم؟



عکس: تسنیم

سیاسی نظرات خود را مطرح کنند». شکوری‌راد افزود بر تحلیل کلی خود، مشخصاً نظرش را درباره یادداشت اخیر حجاریان این‌گونه بیان کرد: «سخن آقای حجاریان غیرمنطقی نیست زیرا اگر شرایط کلی مهیا نشود، شرکت در انتخابات لازم به نظر نمی‌رسد. به هر حال شرکت در انتخابات خود یک انتخاب است و برای ما مهم این است که آیا مردم تمایل به مشارکت دارند یا خیر؟ شرکت‌نکردن اصلاح‌طلبان در انتخابات هم امر عجیب و جدیدی نیست کمااینکه در انتخابات مجلس نهم نیز به جز بعضی از شهرستان‌ها شرکت نکردند که هیچ ایرادی هم نداشت. هرچند باز هم تأکید می‌کنم که چنین دیدگاهی باید مورد تأیید و تأکید شورای سیاست‌گذاری باشد».
دیپکرل حزب اتحاد ملت درباره موضع حزب

متبوعش نیز چنین گفت: «موضع حزب اتحاد ملت همواره مشارکت در انتخابات بوده و اگر رویه گذشته را در نظر بگیریم، طبیعتاً شرکت می‌کنیم اما جمع‌بندی نهایی بستگی به اعضای حزب دارد».

اسماعیل گرامی‌مقدم، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملی، برخلاف شکوری‌راد موضع اخیر حجاریان را به‌شدت نادرست می‌داند و باور دارد که تحریم انتخابات جز ضرر برای اصلاح‌طلبان و مردم هیچ نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. او به خبرگزاری «نامه‌نیوز» چنین گفته است: «از دید من آقای حجاریان تنها یک فعال سیاسی است و نمی‌توان اظهارات او را موضع اصلاح‌طلبان دانست. تردید نکند که شورای هماهنگی اصلاح‌طلبان نظراتی متفاوت از آقای حجاریان دارد و عموم اصلاح‌طلبان به این باورند که باید در انتخابات مجلس سال ۹۸ جبهه اصلاحات حضور فعالی داشته باشند. ایده آقای حجاریان بسیار کهنه است. تجویز تحریم انتخابات و شرط‌گذاری بر آن، به میزانی وروشکسته است که دیگر محل بحث اصلاح‌طلبان نیست». او در ادامه موضع حزب اعتماد ملی را این‌گونه بیان کرده است: «حزب اعتماد ملی بنایش آن است که همراه با شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان حضور فعال و مؤثری داشته باشد».

در نهایت باید گفت که سعید حجاریان گرچه سخنگوی تمام اصلاح‌طلبان نیست اما به هر روی به عنوان یک شخصیت مهم در میان اصلاح‌طلبان سخنانش قابل‌تأمل است اما اینکه تمام اصلاح‌طلبان بر موضع اعلامی او حرکت کنند، بعید به نظر می‌رسد و شاید در آینده‌ای نه‌چندان دور و در بزنگاه انتخابات شاهد بالاگرفتن اختلافات نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب با یکدیگر باشیم.

مورد توقع است اتفاق نمی‌افتد، خوب معلوم است که فاصله ایجاد می‌شود. ما باید حواسمان باشد که فقط زمان انتخابات یاد مردم نیفتیم.کمترین توقعی که می‌رود، این است که وقتی دولتی روی کار می‌آید، با کمک کسانی که در روی کارآمدن آن دولت مؤثر بودند، بتواند عملکرد مثبتی از خود نشان دهد. برای مثال، وقتی وزارت کشور این دولت به جای اینکه از نیروهای کارآمد استفاده کند، فقط شعارش این باشد که می‌خواهد از نیروهای بی‌طرف استفاده کند، طبیعی است که نتیجه چه می‌شود. آدم بی‌طرف هم طبیعتاً در جهت اهداف

این دولت یا حل نگرانی‌های مردم کار نمی‌کند. افراد بی‌طرف، یعنی افرادی که مراقب باشند به هیچ سمتی چرخش نداشته باشند و نتیجه می‌شود همین محافظه‌کاری‌ها و ملاحظه‌کاری‌هایی که متأسفانه بوده است و ما نمی‌توانیم این را انکار کنیم. عملکردی از ۹۲ به این سمت بوده، از ناحیه مجموعه نیروهای اصلاح‌طلب و معتدل یا هرچه بنامیم موفق نبوده است. بسیاری از مشکلات مردم می‌شد با جسارت، جرئت و کارآمدی و پرکاری مسئولانی که هستند دست‌کم، کمتر شود نه اینکه به طور کامل رفع شود.

ما قائل به این نیستیم که عده‌ای روشنفکر، چه در مجلس چه بوده است؟ یعنی اگر نبودند، چه اتفاقی می‌افتاد که حالا که هستند، نیافته‌اند است؟ به غیر از برخی موارد معدود، که تازه نمی‌دانیم این چهره‌ها چه اندازه تأثیرگذار بوده‌اند. بقیه نیروها هم همین‌طور؛ بالاخره ما خوشمان

می‌آید نیروهایی که با ما سلام و علیک دارند و هم‌فکر هستند، در مجلس حضور داشته باشند که فحش و بدویبراه به جریان اصلاحات ندهند اما اینها که گرفتاری کشور نیست. ای‌کاش در مجلس به سرتاپای جریان و شخصیت‌های اصلاح‌طلبی ناسزا بگویند اما برای حل مشکل مردم راه‌حل بدهند. بنابراین اگر فضا، فضای مباحث انتزاعی و رودرویی تمام‌عیار باشد، نه نهادهای حاکمیتی اجازه می‌دهند و نه اصلاح‌طلبان به‌دنبال نیروهای مستقل و کارآمد می‌گردند و فضا به سمت شعاری‌شدن حرکت می‌کند. در چنین موقعیتی از این طرف چهره‌هایی سر برمی‌آورند که در موقع انتخابات یک مدل حرف می‌زنند و وقتی مثلاً وارد مجلس شدند، طور دیگری سخن می‌گویند و عمل می‌کنند.

کا با توجه به عملکرد اصلاح‌طلبان از ۹۲ به این سو، **آیا احساس می‌کنید بین اصلاح‌طلبان و مردم فاصله افتاده است؟ و شاید اگر اصلاح‌طلبان در قدرت نبودند، چنین فاصله‌ای ایجاد نمی‌شد؟ این موضوع ممکن است به این نتیجه برسد که در انتخابات ۹۸ بخواهند به این موضوع فکر کنند که ماهیتی خود را تقویت کنند و از چیزی نیست جز بدنه اجتماعی و اعتمادسازی در بین افکار عمومی حامی جریان اصلاح‌طلبی؟**
حتماً همین‌طور است. باید توجه کنیم حرف‌زدن‌های ما که مورد نیاز و توجه جامعه نیست. عمل ماست که مورد توجه قرار می‌گیرد. در این موضوع فرقی هم بین اصلاح‌طلبان و اصولگرایان وجود ندارد. مثلاً اصولگرایان مکر می‌توانند ادعا کنند که آنها چه در این دولت و چه در زمان آقای احمدی‌نژاد فاصله‌شان با مردم کم شده یا نه. همین شقاق و جدایی در میان آنها هم اتفاق افتاده است. در ما هم اتفاق افتاده است. وقتی یک نیرو یا دولتی به اسم اعتدال و اصلاح‌طلب روی کار می‌آید، اما عملکردی که

کا اگر در جریان هستید، فکر می‌کنید چه زمانی به نتیجه برسد؟
در جریان است دیگر، بالاخره مباحثی که صورت می‌گیرد، همین حرف‌ها در این جلسات مطرح می‌شود. امیدواریم اکثریت جریان اصلاح‌طلب به سمتی برود که به جای مباحث انتزاعی، مباحث عملکردی برای حل مشکلات کشور داشته باشند.

کا اگر در جریان هستید، فکر می‌کنید چه زمانی به نتیجه برسد؟
در جریان است دیگر، بالاخره مباحثی که صورت می‌گیرد، همین حرف‌ها در این جلسات مطرح می‌شود. امیدواریم اکثریت جریان اصلاح‌طلب به سمتی برود که به جای مباحث انتزاعی، مباحث عملکردی برای حل مشکلات کشور داشته باشند.

خبر

دیدار رئیس دستگاه قضا با اعضای کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس

● **خانه ملت:** دیروز اعضای کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس با رئیس دستگاه قضا دیدار کردند. یحیی کمالی‌پور، نایب‌رئیس کمیسیون، دراین‌باره گفت که مبارزه با فساد، شفاف‌سازی در قوه قضائیه، جلوگیری از اطلاع دادرسی، نظارت بر دستگاه قضا، مشکلات جذب گزینش قضات و شوراهای حل اختلاف و چگونگی رسیدگی به پرونده‌های مفاسد اقتصادی از جمله مواردی بود که اعضای کمیسیون در این دیدار مطرح کردند. به گفته این نماینده، رئیس قوه قضائیه هم بر ضرورت تعامل مناسب میان این دستگاه با مجلس تأکید کرد. کمالی‌پور افزود: همچنین مقرر شد طرح‌ها و لوایحی که در قوه قضائیه بلا تکلیف مانده، مانند آیین‌نامه‌های مرتبط با قانون آیین دادرسی کیفری هرچه سریع‌تر تعیین‌تکلیف و به مجلس ارسال شوند. روح‌الله حضرت‌پور، دیگر عضو کمیسیون، هم از قول رئیسی برای حضور در صحن مجلس و کمیسیون قضائی خبر داد.

درخواست حسین فریدون از کریمی قدوسی:

فایل ادعایی تقلید صدای رئیس‌جمهور را منتشر کن

● **برنا:** کریمی‌قدوسی، نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، مدعی شده فایل صوتی‌ای در اختیار دارد که در آن حسین فریدون با تقلید صدای رئیس‌جمهور برخی درخواست‌ها را از مدیران دولتی می‌کند. حسین فریدون در واکنش به این ادعا گفت: من از آقای کریمی‌قدوسی می‌خواهم اگر چنین فایل صوتی‌ای در اختیار دارد، یک‌بار برای همیشه منتشر کند. حسین فریدون با تکذیب ادعای تقلید صدای رئیس‌جمهور گفت: این ادعای فردی است که به دروغ‌گویی شهره شده و در چند سال گذشته تقریباً همه ادعاهای او تکذیب شده است، البته این فرد ظاهراً حصار آهنی دارد و شکایت از او هم به جایی نمی‌رسد، به همین دلیل تنها راه اثبات دروغ‌هایش درخواست انتشار سند است تا مردم بدانند چقدر این فرد حرف‌های بی‌پایه‌و‌اساس می‌زند.

احمدی‌نژاد از امیری‌فر شکایت می‌کند

● **شرق:** وکیل‌مدافع محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت‌های نهم و دهم، اظهارات اخیر عباس امیری‌فر را که از اقرار نزدیک به او محسوب می‌شود کذب دانست و گفت: از او به دادسرا شکایت می‌کنیم. به گزارش ایرنا، سیدعادل حیدری گفت: امیری‌فر مطلبی را عنوان کرده که در خیلی از سایت‌ها انعکاس خبری داشته که این مطلب از اساس کذب محض است. این وکیل دادگستری درباره ادعای امیری‌فر مبنی‌بر اینکه احمدی‌نژاد در جلسه‌ای در ولنجک اظهاراتی را عنوان کرده، افزود: نه چنین جلسه‌ای بوده و نه بر فرض وجود، امیری‌فر در چنین جلسه‌ای حضور نداشته است. حیدری تأکید کرد: به‌خاطر نشر اکاذیب، افترا و تهمتی که از سوی این فرد صورت گرفته، قطعاً از او و سایت‌هایی که این خبر را منتشر کردند شکایت می‌کنیم و در تدارک شکایت هستیم. حجت‌الاسلام امیری‌فر در متنی درباره نقل‌قولی از احمدی‌نژاد در جلسه‌ای خصوصی مبنی‌بر اینکه گفته: «انقلاب کار انگلیس بود»، نوشته است: «سلام برادران عزیزم، بنده خودم در این جلسه در ولنجک حضور داشتم و بدتر از موارد فوق را گفتند و به دلیل توهین ایشان آن جلسه را ترک کردم و مقدمه قطع ارتباطم با ایشان شد». ایسنا هم با اشاره به خبر سایت «انصاف‌نیوز» مبنی‌بر تأیید اظهارات منسوب به محمود احمدی‌نژاد با این محتوا که «انقلاب ۵۷ کار انگلیس بوده است»، از سوی عباس امیری‌فر، نوشت: این سایت در خبر اولیه، کل متن در قالب موضع آقای امیری‌فر آمده بود درحالی‌که بخشی از آن، موضع شخصی دیگر بر یک گروه تلگرافی بوده است. همچنین تصریح می‌شود که منبع جمله نسبت داده‌شده به احمدی‌نژاد، سایت بصیرت بوده است. اما برداشت برخی این بوده که این جمله را آقای امیری‌فر گفته است.

واعظی:

وارد بازی علیه دولت نمی‌شویم

● **ایلنا:** رئیس دفتر رئیس‌جمهور درباره اینکه پس وقوع سیلاب‌ها عده‌ای باوری را متهم به کم‌کاری کردند و حتی جریانی خواهان استعفای رئیس‌جمهور شد، گفت: چنین رفتارهایی جدید نیست؛ از پنج‌سال‌وینم پیش که آقای روحانی رئیس‌جمهور شدند، شاهد بودیم عده قبلیی از افراد خاص با فکر تند به دنبال این مسائل بودند. این افراد به‌جای اینکه مسائل کشور را علمی و حرفه‌ای مطرح و حل کنند، به دنبال حاشیه‌ی و مسائل شخصی بودند و همیشه هم یک چیزهایی بیان کرده‌اند.محمود واعظی افزود: این گروه هر زمانی که دولت توفیقی به دست می‌آورد، بلافاصله یک یا چند حاشیه را مطرح کرده‌اند. ما در دولت قصد نداریم هیچ میدان بازی‌ای که اینها می‌خواهند برای دولت ایجاد کنند، شویم. اولاً امروز وقت کار است و همه باید کار کنیم. دوماً با این‌همه دشمن، گرفتاری و مشکلات داخلی مسائل حاشیه‌ای را کنار بگذاریم و از دیگران هم بخواهیم وارد نشوند.